



" آخ "

روح انسان در بدترین حالت که باشد، یعنی دچار "سرگردانی" که باشد
"بودنش که برایش شیرین نباشد"

دچار سردرگمی و پوچی که باشد

حالتی خواهد داشت که شاید در قانون "جرم" به حساب نیاید
شاید در "عُرف" ناهنجاری قلمداد نگردد

شاید حتی نزد "جُهال" امتیاز هم به حساب بیاید...

اما حقیقت آن است که این حالتِ روح، پست ترین حالتِ قابل تصور است،
چرا که به پست ترین و ارذل ترین "افعال و رفتار" انسانِ پوچ را می کشاند!
و آن این است که وقتی انسانی دچار احساس بیهودگی و پستی شود حالا دیگر
تمام دغدغه اش این است که؛ "دیده بشود"

"حُبّ دیده شدن" ابر بیماری روحی این روزهای بشر است و به حسب اینکه
"شیوع و فراگیری" دارد، دیگر مُنکر بودنش را معروف جلوه می کند!

اصطلاحاً جای معروف و منکر عوض شده است! بلا دور...

البته این حُبّ "دیده شدن" هم تشکیکی است، یعنی شدت و ضعف دارد،
گاهی انسان در اوج این بیماری است که دیگر متوجه نیست چه می کند، تنها
می خواهد دیده بشود حتی به قیمت اینکه بدن خودش را شبیه حیوانات و
جانوران کند!

البته صد رحمت به حیواناتِ نازنین که هیچ وقت نخواستند شبیه موجودِ
پایین تر از خودشان بشوند یعنی نباتات

نباتات هم هیچ گاه نخواستند سیر معکوس کنند به سمت جمادات

جمادات هم هیچ گاه نخواستند عدم بشوند!

خلاصه هر کدامشان با هر آنچه هستند خوش هستند و از بودنشان راضی
هستند

اما خدا نکند انسانی به اوج رذالت و پستی برسد آنگاه سیر معکوس اش آغاز می شود و فقط می خواهد دیده بشود، اول تقلید می کند از دیگر انسان های دیده شده!

بعد که پست تر شد دیگر تقلید حیوانی پاسخ گو نیست، بایستی کارهای جدید کند، مثلا پوست انسانی اش را شبیه پوست حیوانات شلوغ و وحشتناک کند، خط خطی کند،

بعد که همه جای بدنش را حیوانی کرد و دیده شد، پس از مدتی عادی می شود، ولی او همواره دوست دارد دیده بشود، پس باید روی آن تتوها باز هم تتو کند!

خوب این هم تمام شد دیگر چطور دیده بشود؟ حالا وقت آن است صدها نفر بیمار مثل خود را در ترکیه دور خود جمع کند و جانشان و کرونا و این ها را بی خیال...

او فقط می خواهد دیده بشود، ولی چطور پاسخ گوی مریدانش باشد؟ دیگر وقت آن است آن موجود پست، مقابل چشم آن همه موجودات نه انسان، نه حیوان، بلکه اضلّ، روی سن یک هو "شلوارش را بکشد پایین"!!!

و همه برایش کف بزنند و بپرند بالا بیایند پایین دوباره جیغ بکشند و بپرند بالا و بیایند پایین و دوباره جیغ بکشند و بپرند بالا و بیایند پایین و دوباره بروند پولهایشان را با بدبختی جمع کنند و بلیط بخرند و برگردند و جیغ بکشند و بپرند بالا و بیایند پایین و...

حالا این اوج بیماری "دیده شدن" است که بگذرم اما این پستی روح گاهی در بروزات پایین تر جلوه می کند؛ مثلا کسی دوست دارد دیده بشود، از قضا مذهبی هم هست، اسلام و اهل بیت و شهدا و کذا را پُل قرار می دهد تا دیده بشود

گاهی برای رسیدن به "هدفش" ریاست جمهوری اسبق را انتخاب می کند
گاهی ریاست جمهوری سابق را انتخاب می کند
گاهی "سخنرانی" را انتخاب می کند
گاهی "لباس روحانیت" را
گاهی "مداحی" را

گاهی ظاهر و لباس آنچنانی را
گاهی الفاظ و کلمات آنچنانی تر را
گاهی لقب "عدالت خواه" را

گاهی با آنکه هیچ مسئولیت و جایگاه کشوری و لشگری ای ندارد اما چنان شیشه های ماشین اش را دودی می کند تا دیده نشود! در صورتی که با این کار دقیقا می خواهد دیده بشود!

درست بر خلاف "خوبانی" که اگر فعالیت و تلاش و مسئولیتی هم دارند، در

پی دیده شدن نیستند، بلکه دغدغه شان نمایان کردن حقیقت و تبیین حقیقت است که هرکجا هستند خدایا به سلامت دارشان، چه رئیس جمهور حال حاضر، چه مسئول، چه روحانی، چه سخنران، چه مداح، چه انقلابی و... راستی رهبرمان اخیرا فرمودند "مانند چراغی دور و برتان را روشن کنید" که پُر واضح است چراغ قبل از هر چیز خودش روشن است و بعد قادر است راه را برای دیگران روشن کند، اما اگر کسی این پستی روحی را داشته باشد، به جای اینکه راه را روشن کند، مانند زنان بدکاره، بیشتر توجه ها را به خودش جلب می کند!

دور خودش را "شُلوغ" می کند نه روشن!

دور خود را شلوغ کردن کار آن هایی است که می خواهند دیده بشوند؛

مثلا همه "ماسک" می زنند، آنها نمی زنند!

گاهی به اسم حرم امامان!

گاهی به اسم مبارزه با انگلیس! که دقیقا حمایت از انگلیس است...

گاهی به اسم جهاد با بیل گیتس!

هر چقدر هم بهشان بگویی مگر شما صاحب و بزرگ تر ندارید که انقدر یله

و سر به هوا شده اید!؟!!

مگر رهبرمان، بزرگمان فرمودند هر کس ماسک نمی زند من خجالت

می کشم!؟

چرا باعث سرافکنندگی نایب امام زمان می شوید!!!؟؟؟

حرف چند علف شناس و گیاه شناس را اصالت می دهید، سخن حضرت نایب

را نه!؟

خدایش رحمت کند آن پیر آسمانی را، جناب علامه حسن زاده آملی را، که

مرحوم علامه طباطبایی می گفتند "حسن زاده را فقط امام زمان شناخت... با

آن کهولت و کسالت بدون ماسک جایی نمی رفتند، حتی نیمه شب سر مزار

پدر و شاگردشان در روستای خلوت...

با آنکه خودشان مجتهد در طب بقراطی و طب سینوی و طب تشریح بودند و

چون حقیقتا "عالم و عاقل" بودند پروتکل ها را رعایت می کردند

اما حالا به زبان حوزوی بگویم چند تا "جوجه طلبه" که البته منظور علم و

عقلشان است نه سن و سالشان، از خود تحلیل های سطحی و آبکی هم در

می دهند که ماسک کار صهیونیست است و...!

بعد ماسک نزدن هم نوبت بازی جدیدشان است؛ "نه، به واکسن اجباری"!!!

چقدر هم جمعیتشان زیاد بود در تجمع "نه به واکسن اجباری"! من که هنگام

رد شدن شمردم، حدودا بیست و خورده ای نفر بودند!

اگر مذهبی هستید و حزب الهی که وقتی رهبری خودشان واکسن می زنند و

مدام تاکید می کنند رعایت پروتکل های بهداشتی، باید تبعیت کنید

اگر حزب الهی نیستید و ولایت فقیه را هنوز آنقدر قوی و عاقل و محقق

نشدید که درک و فهم کنید، لااقل مسلمان که هستید!؟

حق الناس را که می فهمید؟ نمی فهمید!؟

از مرجع تقلیدتان استفتا کنید که اگر واکسن نزنیم و سبب آسیب و آزار به دیگران بشویم حکمش چیست؟

راستی اگر مرجعتان "اجتهاد در نص" کرد و برای حق الناس وقعی قائل نشد... دیگر فی الحال چیزی نگویم بهتر است...

فقط همین قدر بگویم که در "حکومت اسلامی" مراجع هم بایستی ذیل "ولی فقیه و قانون" باشند و...

اگر کلا با دین و مذهب و انقلاب و رهبری و این ها مخالف هستید، انسان که هستید!

ایرانی که هستید! قانون را رعایت کنید لطفا...

بگذرم، سخن از پست ترین وضعیت روحی انسان بود که در آن حال "دوست دارد دیده بشود" تا پوچی و احساس بیهودگی اش را فراموش کند...
یحتمل شما هم در اخبار تصویر آن آقای جاهل را دیدید که چطور آمد و سیلی زد به گوش ملت اصیل ایران!

نمی دانم کسی به او گفت یا نه، که آقای نادان!

با آن کار پستی که کردی که فقط و فقط می خواستی "دیده بشوی" گرچه آن سردار مهربان و صبور آخ نگفت اما یک ملت اعم از بزرگان و دلسوزان و رزمندگان و خادمان و خانواده های شهدا و... همه با هم دردشان آمد و گفتند "آخ..."

چشمت روشن، دیده شده ای، خبر اول و فوری تمام خبرگزاری های اسرائیل و آمریکا و فاکس نیوز و بی بی سی و کذا شده ای...

آهای آقای غیر محترم!

کار شنیع تو هیچ دلیلی نداشت جز آنکه می خواستی "دیده بشوی" باشد، تو هم دیده بشو...

این روزها در این مرز پُر گوهر هستند "پست هایی" که به بهانه دیده شدن قلب ایران را می شکنند و برای کشور "هزینه" ایجاد می کنند و سبب اختلاف و وحدت شکنی می شوند

ولی چه کنم که اگر این حالت پست "حب دیده شدن" یا همان "اختلال روانی شخصیت نمایشی" در ضعیف الوجودی ملکه شود، دیگر گوشش بدهکار هیچ حرفی نیست، او فقط و فقط می خواهد دیده بشود و هر نکته و تذکری را به نحوی "توجیه و تاویل" می کند

به یکی از همین بیماران دیده شدن گفتند؛

شما چرا یک لنگه جورابت زرد است و یک لنگه بنفش!

گفت: خوب چه ایراد دارد!؟

گفتند: این کار اشتباه است، مضحکه ی عام و خاص می شوی!

گفت: نخیر، اصلاً هم اشتباه نیست و شما اشتباه می‌کنید
گفتند: دلالت چیست؟
سینه اش را داد جلو و گفت: من دقیقاً یک جفت جوراب دیگر به همین شکل
در خانه دارم...

